

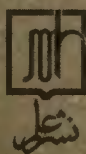
# شاعر تاریخ

یادگارنامه

محمد ابراهیم باستانی پاریزی

به خواستاری و اشرافی

حمید و حمیده باستانی پاریزی



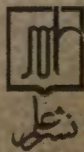


# The Rhapsodist of History

In Commemoration of  
**M. E. Bastani Parizi**

Supervised by  
**Hamid and Hamideh Bastani Parizi**

طبع خانه، نویسنده، خالق،  
عکس، امین، طالع



ISBN 978-964-224-712-7



9 789642 247127 >

[www.elmpub.com](http://www.elmpub.com)

۶۵۰۰ تومان

# شاعر تاریخ

یادگار نامہ محمد ابراہیم باستانی پاریزی

بہ خواستاری و اشرف

حمید و حمیدہ باستانی پاریزی



دستخط

۵۴۶۵۲

سرشناسه : باستانی پاریزی، حمید.  
عنوان و نام پدیدآور : شاعر تاریخ: یادگارنامه محمدابراهیم باستانی پاریزی  
مشخصات نشر : تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری : ۶۴۰ ص.  
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۱۲-۷  
وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر  
یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است  
شناسه افزوده : باستانی پاریزی، حمیده.  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۸۶۵۰۶



شعری

## شاعر تاریخ

یادگارنامه محمدابراهیم باستانی پاریزی  
به خواستاری حمیده و حمید باستانی پاریزی

چاپ اول : ۱۳۹۴

تیراژ : ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۱۲-۷

## فهرست مطالب

۷	پیشگفتار	
۱۱	روزشمار زندگی محمد ابراهیم باستانی پاریزی	
<b>مقالات تحقیقی</b>		
۱۵	دارالعجزه‌های شیراز	اتحادیه، منصوره
۴۳	کتاب‌شناسی استاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی	اسدی، حمیده - آزادی، راحله
۵۱	شرح حال ادیب کرمانی	اسلام پناه، محمدحسین
۶۱	اجتمالی در معنی مثل "شاهنامه آخرش خوش است"	امیدسالار، محمود
۷۹	دوستداران وطن	برکت، محمد
۱۱۳	در جست و جوی پیوندهایی با کرمان	پروین، ناصرالدین
۱۲۵	داروی خرسندی	جعفری دهقی، محمود
۱۳۱	حماسه مویه‌ای مانا	خالصی، محمدرضا
۱۴۹	مجموعه‌هایی از نسخه‌های خطی و چاپ سنگی	دقاقی، محمود
۱۶۱	کرمان و کویر در سفرنامه‌های ژاپنی	رجب‌زاده، هاشم
۱۶۹	بازتاب هویت اجتماعی و فرهنگی زنان بختیاری در سفرنامه‌های خارجیان دوره قاجاریه	زندیه، حسن - خورج، مرضیه
۱۹۳	مردی که جایش همیشه خالی خواهد ماند	سبحانی، توفیق
۲۰۳	سیرموسیقی‌پژوهی در آثار دکتر باستانی پاریزی	ستایشگر، مهدی
۲۱۱	تاریخ نگاری محلی در ایران: سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان	صفت گل، منصور
۲۳۳	میان ماه من تا ماه گردون	طاهری، اردوان
۲۳۹	ژرژ دومزیل و تطبیق آداب و رسوم عامیانه‌ی اقوام ایرانی و اسلاو	کراسنولوسکا، آنا
۲۴۹	خسروانی سرود	کشتکاران، عباس
۲۷۷	فراخ‌نگری و انگیزه‌پروری باستانی پاریزی	کهن، گوئل
۲۹۷	حقوق متقابل مردم و حکومت اسلامی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی <sup>(ع)</sup>	موسوی بجنوردی، سیدمحمد
۳۲۱	گزیده‌ای از قصیه سید مرتضی رضی	مهدوی دامغانی، احمد
۳۳۳	سبک تاریخ‌نگاری دکتر باستانی پاریزی	نجمی، شمس‌الدین
۳۴۱	بررسی مهم‌ترین تحولات جامعه و اقتصاد قفقاز - از افول صفویه تا حکومت افشاریه	یارمهدوی، سارا
۳۶۷	یاران ایرانی اهل بیت	یزدانپرست، حمید

## فهرست مطالب

### یادنامه‌ها

۴۳۹	از پاریز تا نیریز	آل ابراهیم، محمدرضا
۴۵۱	در سوگ باستانی پاریزی	اجتهادی، سید حسن
۴۵۳	و او یک «معلم» بود	احرار، احمد
۴۵۷	برای یگانه مورخ ایرانی	ادیب برومند، عبدالعلی
۴۵۹	دویست سال بر بستانی بگذرد تا ...!	استعلامی، محمد
۴۶۹	تنها یاد است که می ماند	اسلامی ندوشن، محمدعلی
۴۷۱	«یاد باد آن روزگاران یاد باد»	اشراقی، احسان
۴۷۷	کرمان دل عالم است و ما اهل دلیم	اقتداری، احمد
۴۷۹	استادی پر جاذبه و نکته پرداز برجسته‌ای که او بود	بنی احمد، حسین
۴۸۹	استاد باستانی پاریزی و تاریخ	بیانی، شیرین
۴۹۱	یاد یار با وفای مهربان	تکمیل همایون، ناصر
۵۰۳	اشکی با یاد استادم	تمنا، عبدالکریم
۵۰۷	فرزانه استاد تاریخ، ادبیات و فرهنگ معاصر ایران	تنهاتان ناصری، ایرج
۵۲۷	آن نبرده پیر بی آمیغ	جعفری دهقی، محمود
۵۲۹	باستانی پاریزی، آن گونه که من دیدم	دعایی، سید محمود
۵۴۵	از ملک ادب حکم گذاران همه رفتند	رجبعلی پور، مهدی
۵۶۱	شرف شهر و دیار	زریاب خوبی، عباس
۵۶۵	چگونه می توان از باستانی پاریزی نوشت؟	فیضی، کریم
۵۶۹	در سوگ بیکران	کمالی سروستانی، کورش
۵۷۵	مردی که از تاریخ رفت، تا به تاریخ به پیوندد	گلایزاده، محمدعلی
۵۸۷	دو خاطره	متینی، جلال
۵۹۱	درس تاریخ	مهرداد، سید جعفر
۵۹۳	تاریخ نگاری هنرمند و مبتکر	نیساری، سلیم
۵۹۹	آخرین یادداشت دکتر باستانی پاریزی	نیکپور، مجید

### مقالات انگلیسی

Markus Kinga	The Legend of the Birth of Alexander the Great in the Iranian Tradition and Some South-Asian Parallels	5
Yarshater Ehsan	M. E. Bastani Parizi- 1925-2014	11
Zipoli Riccardo	Obscene Persian Poetry: tradition and innovation	13

## پیشگفتار

کتابی که ملاحظه می‌فرمایید، مجموعه‌ای از مرحمتی‌های استادان، پژوهشگران و فرهیختگانی است که بر ما منت گذاشتند و علاقه و احترام خود را به استاد درگذشته تاریخ، شادروان محمد ابراهیم باستانی پاریزی ابراز کرده‌اند.

شروع کار از پیشنهاد نویسنده گرامی جناب آقای علی دهباشی در تیرماه ۱۳۹۳، جهت تدوین یادنامه‌ای برای سالروز درگذشت پدر آغاز شد. دخالت ما (حمید- حمیده) در کاری که نه تخصص آن را داشتیم و نه توان آن را، با پیشنهاد ارسال دعوتنامه برای اساتید ارجمند شروع شد و ابراز لطف دو استاد بزرگوار جهت یاری در امر تدوین و ویرایش شکلی مقالات ما را به ادامه راه دل گرم کرد.

در اواسط شهریور ماه ۱۳۹۳ متن دعوتنامه درخواست مقاله تهیه شد و با نظر مرحمت‌آمیز آقای دهباشی و ابراز لطف و همکاری‌های استادان گرامی جناب آقای دکتر مرتضی هنری و جناب آقای دکتر روزبه زرین کوب، اصلاحات لازم در آن به عمل آمد. ارسال دعوتنامه‌ها به طرق معمول انجام گرفت و مجله بخارا نیز با درج دعوتنامه عام به این امر کمک نمود.

نظر کلی ما این بود که سه وجه و شاخصه اصلی پدر یعنی "تاریخ‌نگاری و معلمی"، "روزنامه‌نگاری و نویسندگی" و "شعر و هنر موسیقی" به وسیله متخصصین هر بخش معرفی شود. از آن‌جا که در نظر داشتیم این یادنامه در سالگرد درگذشت پدر منتشر شود، استدعا شد مطالب تا اواسط آذر ماه ارسال شوند.

اگر چه به دلایل متعدد دریافت مقاله‌ها تا اواسط بهمن ماه طول کشید، اما در این مدت راهنمایی‌های ارزنده استادان گرامی تا حدی روش کار را بر ما روشن ساخت. علیرغم ابراز لطف و همکاری‌های صمیمانه ایشان، متأسفانه پندار ما به جهاتی آن‌گونه که می‌خواستیم جامه عمل نپوشید.

به احترام قلم کلیه استادان و نویسندگانی که به دعوت ما پاسخ داده بودند، خود را موظف دانستیم این یادنامه اگر نه در تاریخ پیش‌بینی شده و اگر نه با کیفیتی که در نظر بود، که در حد بضاعت و توان ما چاپ و منتشر شود.



در مجموع بالغ بر شصت یادداشت، یادنامه، شعر و مقاله تحقیقی از سوی پژوهشگران و استادان گرامی به دست ما رسید. این مقالات حجم کتاب را بالغ بر هشتصد صفحه میکرد که نه تنها در فرصت کوتاه پیش رو، تدوین آن مشکل بود، بلکه در صورت انتشار نیز به نظر می‌رسید به دلیل حجم زیاد چندان قابل استفاده نباشد.

به این منظور تصمیم گرفته شد با کنار گذاشتن موقت برخی مقالات، حجم کتاب در حد ششصد صفحه باقی بماند تا انشاءالله در فرصتی دیگر بقیه مقالات در جلد دیگری به چاپ برسد. مقالاتی که چاپ و انتشار آن‌ها به جلد دوم موکول شده است، عمدتاً آن‌هایی است که مستقیم برای ما ارسال نشده بود و تلاش ما برای کسب اجازه چاپ آن‌ها تا زمان تدوین نهایی به جایی نرسید و یا مقالاتی که نویسندگان محترم اجازه حذف آن را در این مقطع دادند.

ضمن تشکر مجدد از استادان و فرهیختگان گرامی، ذکر فهرست‌وار چند نکته که از سوی نویسندگان محترم تذکر داده شده، مناسب خواهد بود.

استاد گرامی، سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه، در نهایت لطف، دو مقاله، که هر دو مورد علاقه و نظر مرحوم پدر بود، ارائه نموده‌اند. مقاله اول در خصوص دارالعجزة شیراز است که پدر در کتاب کوه‌ها با همند به اسناد آن اشاره نموده و آرزو داشتند آن‌ها را ببینند. مطلب دوم، سند پرارزش و جامع «کتابچه اسناد صندوقخانه عبدالحمید میرزا فرمانفرما» است که متأسفانه به دلایل فوق امکان چاپ آن در این جلد فراهم نیامد.

مقاله سرکار خانم سارا یارمهدوی، «بررسی تحولات جامعه و اقتصاد قفقاز» علی‌الظاهر آخرین کار مشترک شادروان باستانی پاریزی و دانشجویانشان بوده است.

مقاله شادروان دکتر عباس زریاب خوبی، «شرف شهر و دیار»، متن سخنرانی ایشان در بزرگداشت دکتر باستانی پاریزی در کنگره ایران‌شناسی کرمان - ۱۳۵۶ است. دستنویس این مقاله را از پرونده‌های پدر یافتیم و اگر چه می‌دانیم در نشریات و کتب دیگر مکرر چاپ شده است، اما نقل مجدد آن را بی‌مناسبت ندیدیم.

به همین ترتیب، مقاله آقای دکتر گوئل کهن اگرچه در بخارای یادنامه پدر به چاپ رسیده، اما با اجازه مستقیم ایشان در این کتاب نیز نقل شده است.

مقاله خانم حمیده اسدی - «کتاب‌شناسی استاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی»، بخشی از جزوه و کتابچه مفصلی است که ایشان و سرکار خانم راحله آزادی تهیه



کرده‌اند و انشاءالله مستقلاً به چاپ خواهد رسید.

فهرست دیگری از کتب و مقالات آن شادروان در کتاب یادنامه «از پاریز تا پردیس» در اردیبهشت ماه ۹۳ به مناسبت چهلمین روز درگذشتشان چاپ شده است. عناوین مقالات نیز عمدتاً از سوی نویسندگان محترم انتخاب شده است. از استادان و ایرانشناسان بزرگوار، سرکار خانم آنا کراسنولوسکا، سرکارخانم کینگا مارکوس و جناب آقای ریکاردو زیپولی که در فرصت کوتاه تعیین شده لطف نموده و مقالات ارزنده‌ای فرستادند صمیمانه تشکر میکنیم. سپاسگزار می‌شویم چنانچه دیگر دوستان، استادان و فرهیختگانی که دعوتنامه خدمتشان ارسال شده بود، جهت پر بارتر شدن جلد دوم این مجموعه ما را یاری دهند.

در انتخاب نام کتاب، چندین و چند عنوان مدنظر بود. اما، آنچه که به نظر ما بیشترین مناسبت را با شخصیت پدر و این مجموعه دارد، «شاعر تاریخ» است. ترکیبی که از سوی استاد گرامی جناب آقای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در کنار «صیاد لحظه‌ها» و در وصف سبک نوشته‌های پدر ابداع شده بود. امیدواریم استفاده بجایی از فرمایش ایشان کرده باشیم.

پدر اعتقاد داشتند کتاب بدون فهرست اعلام کامل نیست. دستاویز سستی و کاهلی ما در تهیه فهرست اعلام این کتاب، کمبود وقت و البته تعداد بسیار زیاد اسامی خاص در مقالات تحقیقی بود. چنانچه عمری بود و فرصتی، در آینده این فهرست نیز تهیه خواهد شد.

تدوین و انتشار این مجموعه در این فرصت کوتاه را مرهون همکاری صمیمانه سرکار خانم حمیرا راغ و سرکار خانم ساغر حسابی در امر تایپ و صفحه‌بندی کتاب و به خصوص فرهیخته و خویشاوند گرامی جناب آقای محمود دقاقی در امر تنظیم مقالات و ویرایش شکلی آن‌ها و جناب آقای مهدی علمی، مدیر نشر علم (ناشر آثار پدر) می‌دانیم و سپاسگزار ایشان هستیم.

در انتها، با کسب اجازه از تمامی نویسندگان محترم مقاله‌ها، این مجموعه را تقدیم به آن‌هایی می‌کنیم که بیشترین تأثیر را بر شخصیت و خلاقیت پدرمان، محمد ابراهیم باستانی پاریزی داشته‌اند.

از میان آن‌ها، این کتاب را به مرحوم علی اکبر باستانی پاریزی ملقب به حاج آخوند، پدر بزرگمان تقدیم می‌کنیم که بیشترین تأثیر را در پرورش شخصیت پدر و تشویق او به راه علم و دانش و نویسندگی داشت.

به مادرمان، مرحومه بانو حبیبه حائری تقدیم می‌نماییم که بدون صبر و متانت و بردباری‌های او محیط مناسب برای به ثمر رسیدن نوشته‌ها و تحقیقات پدر فراهم نمی‌شد.

و به تمامی شاگردان پدر در طول ۷۰ سال معلمی او تقدیم می‌کنیم که همواره منبع الهام و انرژی او برای تدریس و سرمایه‌های زندگی او بودند.

حمیده- حمید باستانی پاریزی

اسفندماه ۱۳۹۳ - مارس ۲۰۱۵

## روزشمار زندگی محمد ابراهیم باستانی پاریزی

۱۳۰۴/۱۰/۳- تولد در پاریز سیرجان

۱۳۱۰- شروع تحصیلات ابتدایی در مدرسه پاریز (خانه ملا محمد حسن نبی السارقین)

۱۳۱۳- اتمام ساخت دبستان پاریز به همت مرحوم حاج آخوند و تحصیل کلاس پنجم

در مدرسه نوساز

۱۳۱۴- اتمام تحصیلات دوره ابتدایی در شهر سیرجان

۱۳۱۵- ترک تحصیل و شاگردی در محضر پدر در پاریز

۱۳۱۶-۱۳۱۸- اقامت در پاریز و انتشار ماهنامه دستنویس ندای پاریز

۱۳۱۸- مسافرت به سیرجان برای ادامه تحصیل و انجام تحصیلات دوره اول متوسطه در

مدرسه بدر

۱۳۲۱- ترک تحصیل و مراجعت به پاریز برای اشتغال در پست خانه پاریز- چاپ اولین

مقاله در روزنامه بیداری کرمان به نام تقصیر با مردان است نه زنان

۱۳۲۲- مسافرت به کرمان و شروع تحصیل در دانشسرای مقدماتی کرمان

۱۳۲۳- انتشار کتاب پیغمبر دزدان، مجموعه چند نامه از ملا محمد حسن زیدآبادی در

کرمان

۱۳۲۵- کسب عنوان شاگرد دوم دانشسرای مقدماتی مسافرت به تهران و ادامه تحصیل

در کلاس ششم ادبی دبیرستان مروی

۱۳۲۶- شروع به تحصیل در رشته تاریخ در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه

تهران- شروع به همکاری با مجلات ادبی و علمی به عنوان نویسنده و مترجم

۱۳۲۷- انتشار دیوان اشعار به نام یادبود من

۱۳۳۰- انتشار ترجمه مقاله مولانا ابوالکلام آزاد تحت عنوان "ذوالقرنین یا کوروش

کبیر"

۱۳۳۰- اتمام تحصیلات در تهران و اعزام به کرمان جهت گذراندن دوره تعهد خدمت-

آغاز به کار دبیری در دبیرستان‌های شاپور، پهلوی و بهمنیار کرمان

۱۳۳۳/۵/۲۷- ازدواج با بانو حبیبه حائری دبیر دبیرستان‌های کرمان - دختر مرحوم

حاج یوسف حائری- ارشاد علی

۱۳۳۴- تولد اولین فرزند، حمید- کسب اجازه انتشار روزنامه هفتواد

- ۱۳۳۵- درخواست برای انتشار مجله به نام "پردیس"
- ۱۳۳۶- شروع به انتشار روزنامه "هفتواد کرمان"
- ۱۳۳۷- تولد دومین فرزند، حمیده- انتقال به تهران جهت ادامه تحصیل در دوره دکترا - شروع به کار در موزه ایران باستان
- ۱۳۳۸- انتقال به دانشگاه تهران- آغاز به کار در مجله دانشکده ادبیات
- ۱۳۳۹- اخذ درجه دکترا - شروع به تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران- ادامه انتشار مقالات در مجلات و روزنامه‌های ادبی و تالیف کتب مختلف
- ۱۳۴۹- استعفا از مدیریت مجله دانشکده ادبیات- عزیمت به فرانسه جهت استفاده از فرصت مطالعاتی یکساله - شرکت در کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی، کنستانزا، رومانی- اولین حضور در سمینارهای ایران‌شناسی
- ۱۳۵۴- دریافت نشان فرهنگ
- ۱۳۵۶- عضو انتخابی بنیاد فرهنگی جمالزاده از سوی مرحومان سید محمدعلی جمالزاده، دکترعلی اکبر سیاسی و ایرج افشار
- ۱۳۵۹- عضویت در هیئت تحریریه تاریخ آسیای میانه یونسکو
- ۱۳۶۴- مسافرت به قزاقستان و شرکت در جلسه هیئت تحریریه تاریخ آسیای میانه
- ۱۳۶۹- مسافرت به کانادا و شرکت در کنفرانس مطالعات ایرانی
- ۱۳۷۳- مسافرت به استرالیا و شرکت در جشن‌های مهرگان و پرده‌برداری از تندیس کورش کبیر
- ۱۳۷۹/۶/۵- درگذشت همسر
- ۱۳۸۴- دریافت نشان درجه اول دانش جمهوری اسلامی ایران
- ۱۳۸۷- دریافت ابلاغ بازنشستگی از دانشگاه تهران - شرکت در کنفرانس مطالعات ایرانی در کانادا
- ۱۳۸۹- انتخاب به عنوان عضو حقیقی آکادمی علوم، هنر و ادبیات تاجیکستان - شرکت در کنفرانس مطالعات ایرانی، لندن
- ۱۳۹۱- شرکت در هفتمین کنگره ایران‌شناسان اروپا، کراکو، لهستان و انتخاب به عنوان عضو افتخاری انجمن ایران‌شناسان اروپا، آخرین حضور در سمینارهای بین‌المللی
- ۱۳۹۲- عضویت افتخاری در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران
- ۱۳۹۳/۱/۵- درگذشت - تهران

# مقالات تحقیقی



## دارالعزّه‌های شیراز

۱۳۳۶ ق

منصوره اتحادیه (نظام مافی) \*

تاریخ اجتماعی جاذبه خاصی دارد، چون با جزئیات زندگانی عامه مردم مربوط است و آن را ترسیم می‌کند. از این بعد مکاتبات و اسناد خصوصی می‌تواند دریچه‌ای به روی تاریخ اجتماعی باشد. مکاتبات خصوصی عبدالحسین میرزا فرمانفرما حاوی مسائل بسیار گسترده و متنوعی از زندگانی روزمره است که برای درک شرایط مردم اواخر قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم قمری کمک ارزنده‌ای به شمار می‌آید.

فرمانفرما اسناد خود را نگهداری می‌کرد، تا در صورت لزوم در دسترس باشد و در چندین جا در مکاتباتش با فرزندان خود، بر این مسأله تأکید داشت. ولی تعداد اسنادی که به دست آمده، کامل نیست. چون با گذشت زمان و عدم نگهداری درست مقدار زیادی از این اسناد از بین رفته‌اند. با این وجود آنچه باقی مانده است، اطلاعات بسیار ارزنده‌ای را در اختیار مورخین قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

در بین این مکاتبات مجموعه اسنادی درباره مخارج دارالعزّه‌های شیراز در ۱۳۳۶ ق در بحبوحه جنگ جهانی اول که فرمانفرما حاکم فارس بود، یافت شد که حاکی از مسائل قحطی و تدابیر حکومت در این باره است.

اطلاعات ما محدود به همین مجموعه به جای مانده است که به هیچ‌وجه کامل نیست. البته روزنامه‌های فارس هم مطالبی درباره قحطی و تدابیر حکام این دوره داشت. نظمیه شیراز نیز مرتباً خبر قحطی و مرگ از گرسنگی یا کمبود نان و ازدحام حضور پلیس جنوب نیز باعث گرانی و کمی آذوقه می‌شد، هرچند که مقامات انگلیسی و هواداران آن‌ها- مانند روزنامه فارس- منکر این قضیه بودند، اما روزنامه‌های مستقل می‌نوشتند که پلیس جنوب غله را انبار می‌کند. (۳)

---

\*- استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه تهران

۱- اسناد فرمانفرما به مجلس شورای اسلامی سپرده شده است. ولی مجدداً تعداد دیگری سند یافته شد که این مقاله براساس منتخبی از آن‌ها تهیه شده است. در نهمیه این مقاله از همکاری خانم زهره سمریاف تشکر می‌کنم.



فرمانفرما برای مقابله با قحطی، سه نوع تدبیر را پیش گرفت: تهیه آرد، تهیه نان تا به- که از ذرت یا جو تهیه می‌شد (۴)- و تأسیس دارالعجزه.

تهیه آرد از دو طریق انجام می‌شد؛ یا از راه ارسال جنس از مالیه اصفهان که خود درگیر قحطی بود و یا از هند، که خبر آن مرتب در روزنامه فارس منتشر می‌شد. در تاریخ ۲۸ صفر، به نصرت‌الدوله نوشت که در دولت سپهسالار قرار شده بود دو هزار و پانصد خروار جنس از اصفهان حمل شود و به قیمت تعیین شده به فروش برسد، ولی آن اجناس را نفرستاده بودند. فرمانفرما شکایت کرده که در دولت وثوق‌الدوله مقرر شده بود هفتصد خروار گندم و سیصد خروار جو بدهند، تا به شیراز حمل شود، اما مالیه اصفهان کارشکنی کرده بود و فرمانفرما نگران آن بود که اگر اقدام فوری نشود، گرسنه‌ها و قحطی‌زده‌ها آشوب عمومی برپا کنند. ضمناً نوشت که کنسول انگلیس هم سعی کرده از کراچی آرد وارد کند: «ولی کی بیاید، از کدام راه و خرواری پنجاه تومان کرایه به چه قیمت وارد شود، این‌ها معلوم است چه صورتی خواهند داشت.» (۵)

راه حلی که به نظر فرمانفرما می‌رسید، این بود که رئیس الوزرا با کنسول روسیه مذاکره کند و از طریق نفوذ او از جنس مالیاتی اصفهان هزار و پانصد خروار گندم تحویل بگیرند. با این مقدار غله، اقلأً دو ماه می‌توانستند سر کنند، تا آرد کراچی برسد. «در این مسائل طوری نیست که بتوان به حرف قناعت کرد، عملیات می‌خواهد.» (۶) بالاخره در ۲۹ رجب، خبر رسید که آرد از کراچی رسیده و میان خبازان تقسیم شده است.

مسأله تهیه نان تا رسیدن آرد از اصفهان یا کراچی، بسیار ضروری بود. در این وقت فرمانفرما از مردم کمک و نظر می‌خواست، که تا حدی مثرثمر هم بود. در نطق مفصلی در دوم شوال ۱۳۳۵ ق/ ژوئیه ۱۹۱۷ م، تقریباً یک سال پس از آغاز حکومتش در فارس، پیشنهاد داد تا عموم بزرگان و توانگران مملکت مکلف باشند، در تدارک جنس به قدر توانایی خود همت کنند و نگویند فرمانفرما باید برای ما نان پیدا کند: «من تا یک اندازه می‌توانم و مکلفم، به سهم خودم که تکلیف یک ایالت است، اقدامات می‌کنم. شما هم به قدر خودتان مساعدت کنید.»

فرمانفرما گفت تهیه نان تا به برای فقرا، شش تا هفت هزار خروار جو و ذرت لازم دارد و از مخاطبانش خواست چهار هزار و پانصد خروار غله تهیه کنند و او نیز از طرف

دولت چهار هزار و پانصد خروار بقیه را فراهم کرد.

علاوه بر خشکسالی، معضل دیگر ملخ خوارگی بود که از مدتی پیش شروع شده بود و یکی از اقدامات فرمانفرما برای حفظ محصول، مبارزه با آن بود. رعد در جمادی‌الاول ۱۳۳۸/ ژانویه ۱۹۲۰ خبر داد که مذاکراتی بین بلدیه و ایالت شده، تا راهی برای مقابله با ملخ خوارگی بیابند. (۷) روزنامه ایران در ماه رجب نوشت اقدامات ایالت شیراز برای جلوگیری از بیم طغیان ملخ، علاوه بر ماموریت سابق مختارالسلطنه رییس قشون و دویست نفر سربازی که در سربازخانه بودند، «امروز حقوق تا آخر برج را به آن‌ها داده، روانه بلوک قریباغ نمودند که به هر قسمی باشد، ملخ‌ها را معدوم نمایند.» (۸) همین روزنامه بعدها نوشت که هره هفته کمیسیونی در این باره تشکیل می‌شود و اعانه جمع می‌کنند تا افرادی بسیج شوند و ملخ‌ها و تخم آن‌ها را جمع کنند. (۹) مقرر شده بود برای این منظور، وزارت مالیه ۱۵۰۰ تومان اعتبار بدهد.

واضح است که این اقدامات در برابر وخامت اوضاع چندان کارساز نبود. به اعتقاد مردم، حضور پلیس جنوب (اس‌پی‌آر) باعث قحطی بود و علی‌رغم انکار انگلیس‌ها، وضع اجتماعی تحریک‌آمیز و خطرناک بود. هجوم مردم اطراف ایالت به شهر شیراز نیز وضع آذوقه را بدتر می‌کرد و پلیس مرگ از گرسنگی خبر می‌داد. اقدام دیگر فرمانفرما برای کمک به گرسنگان تأسیس دارالعجزه‌ها بود.

در ۲۱ محرم ۱۳۳۵ ق جلسه‌ای توسط فرمانفرما تشکیل شد- که روزنامه فارس آن را مجلس عالی می‌نامد- که در آن تصمیم گرفته شد که دارالعجزه‌ای به نام دارالعجزه کبیر تأسیس گردد. در پایان سال، در ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۳۵ ق گزارش مخارج دارالعجزه را فرمانفرما برای پسرش محمدولی میرزا شرح داد که از این قرار بوده:

### از شیراز فرمانفرما به تهران محمدولی میرزا

#### ایالت فارس و بنادر

مورخه ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۳۵ ق

«آقای محمدولی میرزا لازم دانستم خاطر شماها را از ترتیب مخارج دارالعجزه این‌جا مستحضر نمایم که جزییات او را دانسته مسبوق باشید، این است: در این موقع که حساب دارالعجزه را رسیدگی و تفریغ کردم، یک نسخه از حساب آن را لفاً فرستادم. به دقت ملاحظه نموده، مطلب را در دست داشته باشید که در موقع لزوم بی‌اطلاع نباشید

و حساب را هم در جزو اسناد ضبط نموده نگاه دارید.

جهت مخارج دارالعجزه پنج هزار تومان دولت اعانه داده، سه هزار تومان از قنسولخانه داده‌اند، باقی را هم من از محل‌های دیگر خودم راه انداختم. تا این تاریخ حساب آن این است و حالا هم دارالعجزه دایر است که ماه به ماه مخارج آن‌جا را می‌دهم و در تحت نظر جناب آقا شیخ یوسف و یکی دو نفر دیگر، به ریاست وقارالدوله، مرتب و منظم است. درست مسأله را بفهمید: اینها ایتم، زن‌ها، و گداهای کوچه بوده‌اند که همه را جمع در یک کاروانسرا و چند خانه کردیم و زمستان گرما و بالاپوش و نهار و شام و لوازم زندگانی به آن‌ها رساندیم و بحمدالله تعالی، آن‌ها را از مردن خلاص کردیم. این صورت فقط راجع به گداهاست و غالب علماء و مردم هم رفته‌اند از مواقع دیده‌اند. جناب شیخ یوسف و حاجی مهذب‌الدوله که واقعاً از اختیار مملکت هستند، حقیقت با من کمک معنوی و مادی کردند و در غالب امورات این‌جا نظارت کردند. این مبلغ مال اینها است. قریب چند هزار تومان از مال اشخاص آبرومند گرفتیم. فلان فقیر در خانه‌اش که قوت لایموت نداشته، فلان سرور محترم، فلان سید، به این نمره اشخاص از بیست تومان تا دویست و پنجاه تومان هم داده شده. بعضی به وسیله آقایان و علماء و بعضی به وسایل دیگر اشخاص داده شده است و ما بحمدالله موفق شدیم که پارسال را گذراندیم. امسال را به خداوند پناه می‌بریم. این کاغذ را بدهید نصرت‌الدوله بخواند، فطن‌الدوله بخواند و در دفتر خودتان ضبط کنید که درست در مواقع از روی بصیرت حرف بزنید و این کاغذ محرمانه باشد.

از این مسأله، پنج هزار تومان دولت اعانه داده است، سه هزار تومان قنسول انگلیس داده است، مبلغی هم از بابت جرم پلیتیکی حاجی محمد ابراهیم خان گرفته داده‌ام و در این خصوص، در بدو عمل تلگرافات به تهران رمزاً به وزارت داخله در کابینه آقای وثوق‌الدوله کرده‌ایم. جواب هم در دست داریم. اینها را برای این می‌گوییم که برای روز مبادا همه شما مسبوق باشید من چیزی از جرم‌های پلیتیکی نخورده‌ام، همه را به همین‌طور خرج‌ها کرده‌ام و بنایی ارک دولتی که صورت آن را هم بعداً برای شما می‌فرستم که بصیرت برای مواقع باریک و مواقع مذاکرات داشته باشد. مخارج بنایی مبالغی هم از جیب خودمان اضافه داده‌ایم. این کاغذ را مکرر بخوانید و بدهید نصرت‌الدوله و فطن‌الدوله بخوانند؛ بعد خودتان ضبط کنید که اگر مقدار من صحیح

باشد، خط مرحوم شاهزاده سند است، بدانید.» (۱۰)

۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۵ ق

فرمانفرما

صورت مخارج نیز ضمیمه این نامه بود.

«خلاصه جمع و خرج حساب دارالعجزه، از تاریخ ۱۸ شهر محرم‌الحرام لوی‌ئیل ۱۳۳۵ ق لغایت سلخ شهر ذی‌قعدة ئیلان‌ئیل ۱۳۳۵ ق که توسط این بنده، میرزا عباس خان وقارالدوله شده و از بعضی مخارج متفرقه و لباسی هم که برای فقرا تهیه و داده شده، جناب حاجی شیخ یوسف و بعضی محترمین و آقایان دیگر مسبوق هستند و اطلاع دارند؛ مطابق کتابچه‌های بجزو جمع و خرج علیحده که ماه به ماه نوشته شده و حاضر است؛ سوای آنچه محترمین و محترمت شهر و غیره، استحراماً، به طیب خاطر، خواسته‌اند از فقرا رعایتی کرده باشند؛ در غالب ماه، هر ماهی چند دفعه آش آبگوشت یا پلو طبخ کرده و به فقرا داده‌اند و پیراهن یا احسانات دیگر کرده‌اند، و مربوط به جمع و خرج این حساب نیست.

۹ ماه ۱۲ روزه

۱۳۵۳۶ تومان و ۲۵۰۰ دینار

از محرم لوی‌ئیل ۱۳۳۵ ق لغایت سلخ شهر جمادی‌الثانیه ئیلان‌ئیل ۱۳۳۵ ق:

۱۱۶۷۶ تومان و ۵۰۰۰ دینار:

نقد ۵۲۱۶ تومان؛ وجه نقد دریافتی ۴۲۰۰ تومان (۱۸ محرم لغایت سلخ شهر صفر ۱۶۰۰ تومان، ربیع‌الاول ۷۰۰ تومان، ربیع‌الثانی ۱۰۰۰ تومان، جمادی‌الاولی ۵۰۰ تومان، جمادی‌الثانیه ۴۰۰ تومان)؛ از بابت قیمت ملبوس و لحاف و غیره فقرا که توسط اعظم‌الممالک و جناب حاجی شیخ یوسف شده ۱۰۱۶ تومان (لحاف ۲۰۰ تخته فی ۲ تومان؛ ۴۰۰ تومان، ایضاً لحاف کرسی ۳۰ تخته فی ۳ تومان؛ ۹۰ تومان، متقال جهت لباس فقرا ۱۹ طاقه فی ۴ تومان؛ ۷۶ تومان، لباس شب عید توسط جناب حاجی شیخ یوسف ۳۰۰ تومان، هیزم و ذغال ۱۰۰ تومان، انعامات فقرا به مرور ۵۰ تومان)؛

قیمت جنس ۲۲۶ خروار و پنجاه من، ۶۴۶۰ تومان و ۵۰۰۰ دینار؛ ذرت بلال ۳۶ خروار فی ۳۳ تومان؛ ۱۱۸۸ تومان، ذرت کلاک ۷۹ خروار فی ۳۱ تومان؛ ۲۴۴۹ تومان، ارزن ۸۳ خروار فی ۲۲ تومان؛ ۱۸۲۶ تومان، جو ۲۸ خروار و ۵۰ من فی ۳۵ تومان؛

۹۹۷ تومان و ۵۰۰۰ دینار).

غره رجب لغایت سلخ شهر ذیقعدہ، ۱۸۶۰ تومان  
نقد ۱۴۲۵ تومان؛ شهر رجب ۳۵۰ تومان، شهر شعبان ۲۷۵ تومان، شهر رمضان  
۲۰۰ تومان، شهر شوال ۲۰۰ تومان، شهر ذیقعدہ ۴۰۰ تومان.  
قیمت جنس ۴۳۵ تومان؛ ذرت ۲۵ خروار، در شهر شعبان جمع شده ۱۰ خروار.

### خرج

۱۳۹۱۲ تومان و ۸۷۵۰ دینار

از ۸ شهر محرم لغایت سلخ شهر صفر ۲۰۵۳ تومان و ۲۲۰۰ دینار.  
نقد ۱۳۱۴ تومان و ۳۰۰۰ دینار؛ بنایی از بابت اجرت و مصالح و مقرری تیرکاران و  
بنایی در کاروانسرای شاه شیرعلی حمزه ۶۸۳ تومان و ۴۰۰۰ دینار، قیمت نان  
مریضخانه که نقدی خریداری شده و مخارج آش عمومی و فرنی و اجرت خبازی و غیره  
۱۵۶ تومان و ۵۰۰۰ دینار، اثاثیه دارالعجزه و دفتر اداره ۲۹۳ تومان، کفن و دفن فقرای  
شهری و دارالعجزه ۵۴ تومان و ۸۰۰۰ دینار، مقرری اجزاء دارالعجزه و دفتر و مخارج  
ناهار اجزاء ۱۲۶ تومان و ۱۰۰۰ دینار.

قیمت جنس ذرت و ارزن و جو که روی هم به مصرف رسیده ۲۶ خروار فی ۲۸  
تومان و ۵۳۵۰ دینار؛ ۷۳۷ تومان و ۹۲۰۰ دینار.

شهر ربیع‌الاول ۲۴۲۹ تومان و ۳۶۰۰ دینار

نقد ۱۳۴۵ تومان؛ ۷۲۹ تومان (موجب اجزاء دارالعجزه و مخارج نهار و انعام میرزا  
محمد علی خان ۱۶۹ تومان و ۶۰۰۰ دینار، دوا و غذا و سوخت و آش و غیره ۱۹۳  
تومان و ۴۰۰۰ دینار، ملزومات کرسی و بوریا و پرده و غیره ۱۲۵ تومان، اجرت ملبوس  
فقرا و رنگریزی و تتمه اجرت طبع قبوض و کرایه انبار و حقوق تحویلدار جنس ۳۴  
تومان، کفن و دفن اموات شهری و دارالعجزه ۷۷ تومان، بنایی از بابت تفاوت قیمت کاه  
۱۵ تومان، اجرت خبازی نان که جنس داده شده و نان پخته‌اند ۱۱۵ تومان؛ ۶۱۶ تومان  
(قیمت لحاف کرسی ۲۰۰ تخته فی ۲ تومان؛ ۴۰۰ تومان، لحاف کرسی بزرگ ۳۰ تخته  
فی ۳ تومان؛ ۹۰ تومان، متقال جهت لباس فقرا ۱۹ طاقه فی ۴ تومان؛ ۷۶ تومان، هیزم

و ذغال ۵۰ تومان).

قیمت جنس ذرت و ارزن و جو که روی هم به مصرف رسیده ۳۸ خروار فی ۲۸ تومان و ۵۳۵۰ دینار: ۱۰۸۴ تومان و ۳۳۰۰ دینار.

شهر ربیع‌الثانی ۲۲۳۶ تومان

نقد ۱۰۰۹ تومان: ۹۳۴ تومان (نان مریضخانه و آش عمومی و ذغال و هیزم و اخراجات دوا و غیره ۳۱۲ تومان، اجرت خبازی نان که جنس داده شده و نان پخته‌اند ۱۲۰ تومان، مواجب اجزاء دارالعجزه و طبیب و دواساز و غیره و خرج ناهار اجزاء و غیره ۱۶۸ تومان و ۵۰۰۰ دینار، اسباب کارخانه کرباس‌بافی و قالیبافی و اجرت کرباس‌باف‌ها و غیره ۶۸ تومان، بنایی صحن کاروانسرا و چاه‌های آب و نهر و سنگ ۴۰ تومان و ۵۰۰۰ دینار، کفن و دفن فقرا از شهری و دارالعجزه ۱۲۵ تومان، کرایه انبار جنس و اخراجات متفرقه ۶۰ تومان، مخارج اطفال یتیم در خارج اداره ۴۰ تومان) ۷۵ تومان (قیمت هیزم ۵۰ تومان، انعامات فقرا ۲۵ تومان؛

قیمت جنس ذرت و ارزن و جو که روی هم به مصرف رسیده ۴۳ خروار فی ۲۸ تومان و ۵۳۵۰ دینار: ۱۲۲۷ تومان و ۵۰ دینار؛

شهر جمادی‌الولی ۲۱۴۱ تومان ۲۱۵۰ دینار

نقد ۷۴۳ تومان؛ قیمت آش عمومی و دوا و غذا و مواجب طبیب و دواساز و غیره ۲۱۹ تومان و ۵۰۰۰ دینار، اجرت خبازی که جنس داده‌اند و نان پخته‌اند ۱۲۹ تومان، مواجب اجزاء دارالعجزه و مخارج ناهار و غیره ۱۳۷ تومان، اجرت پارچه‌بافی کرباس و قیمت ریسمان ۱۷ تومان و ۵۰۰۰ دینار، کفن و دفن فقرای شهری و دارالعجزه ۱۳۵ تومان، اخراجات متفرقه دارالعجزه ۶۰ تومان، مخارج اطفال یتیم در خارج اداره ۲۰ تومان، وجه نقد انعام فقرا ۲۵ تومان.

قیمت جنس ذرت و ارزن و جو که روی هم به مصرف رسیده ۴۹ خروار فی ۲۸ تومان و ۵۳۵۰ دینار: ۱۳۹۸ تومان و ۲۱۵۰ دینار.

شهر جمادی‌الثانی ۲۲۵۴ تومان و ۶۸۰۰ دینار

نقد ۸۸۵ تومان؛ ۵۸۵ تومان (اجرت خبازی نان که جنس داده شده و نان پخته‌اند

۱۲۲ تومان و ۵۰۰۰ دینار، آش عمومی و هیزم و غذا و دوا و غیره ۷۸ تومان، مخارج اطفال یتیم در خارج اداره ۲۲ تومان، کفن و دفن اموات شهری و دارالعجزه ۱۰۵ تومان، اخراجات متفرقه دارالعجزه ۶۲ تومان، مواجب و مخارج نهار و اجزاء و مواجب طبیب و دواساز و غیره ۱۴۲ تومان و ۵۰۰۰ دینار، از بابت تفاوت نان که به خباز در سه فقره داده شده ۲ خروار ذرت فی ۲۶ تومان و ۵۰۰۰ دینار: ۵۳ تومان) لباس شب عید توسط حاجی شیخ یوسف برای فقرا ۳۰۰ تومان.

قیمت جنس ذرت و ارزن و جو که روی هم به مصرف رسیده ۴۸ خروار فی ۲۸ تومان و ۵۳۵۰ دینار: ۱۳۶۹ تومان و ۶۸۰۰ دینار.

شهر رجب‌المرجب ۱۴۱۱ تومان

نقد ۳۳۴ تومان؛ مخارج قیمت آش و اجرت طبخ نان و قیمت نان سنگک و غیره ۹۵ تومان، کفن و دفن فقرای شهری و دارالعجزه ۷۶ تومان، مخارج اطفال یتیم در خارج اداره ۲۸ تومان، مواجب اجزاء و طبیب و دواساز و مخارج نهار ۱۰۰ تومان، اخراجات متفرقه دارالعجزه ۳۵ تومان.

قیمت جنس ذرت و ارزن و جو که روی هم به مصرف رسیده ۱۰۷۷ تومان و ۳۷۵ دینار؛ قیمت جنس ذرت و ارزن و جو ۲۲ خروار و ۵۰ من فی ۲۸ تومان و ۵۳۵۰ دینار؛ ۶۴۲ تومان و ۳۷۵ دینار، ذرت ۱۵ خروار فی ۲۹ تومان؛ ۴۳۵ تومان.

شهر شعبان‌المعظم ۳۵۶ تومان

قیمت نان که خریده شده برای فقرا ۲۵۴ تومان: مواجب اجزاء و مخارج نهار اجزاء ۸۲ تومان، مخارج اطفال یتیم در خارج اداره ۲۰ تومان.

شهر رمضان‌المبارک ۲۹۶ تومان

قیمت نان و آش عمومی و غیره برای فقرا ۲۳۸ تومان، مخارج متفرقه و مواجب و نهار اجزاء ۵۳ تومان، مخارج اطفال یتیم در خارج اداره ۵ تومان.

شهر شوال‌المکرم ۳۸۸ تومان و ۴۰۰۰ دینار

مخارج نان و غیره برای فقرا ۲۳۴ تومان و ۱۰۰۰ دینار، مخارج نهار اجزاء و مواجب و غیره ۷۰ تومان و ۳۵۰۰ دینار، دفن اموات از بابت حساب سابق ۹ تومان، لباس فقرای



دارالعجزه ۷۴ تومان و ۹۵۰۰ دینار.

شهر ذیقعه ۱۳۳۵: ۳۴۷ تومان

قیمت نان و آش و چراغ برای فقرا ۲۷۴ تومان و ۵۰۰۰ دینار، مواجب و نهار اجزاء و غیره ۷۱ تومان، کفن و دفن اموات ۱ تومان و ۵۰۰۰ دینار.  
الباقی ۳۷۶ تومان و ۶۲۵۰ دینار.

صورت جمع و خرج حساب ده ماهه، دوازده یوم، دارالعجزه شیراز از تاریخ ۱۸ محرم الحرام لوی‌ئیل ۱۳۳۵ ق لغایت سلخ ذیقعه الحرام نیلان‌ئیل ۱۳۳۵ ق که این چاکر میرزا عباس خان وقارالدوله متصدی بوده‌ام، مطابق این ورقه بجزو جمعاً خرجاً صحیح است و به توسط کارگزاران حضرت مستطاب اشرف اقدس والا شاهزاده فرمانفرما والی ایالت فارس و بنادر، روحی فدا، به مرور نقد و جنس دریافت گردیده و به مصرف مخارج دارالعجزه رسیده است و مبلغ سیصد [و] هفتاد [و] شش تومان [و] شش هزار [و] دویست [و] پنجاه دینار نقداً مرحمت فرمودند. سلخ ذیقعه الحرام نیلان‌ئیل ۱۳۳۵. (رقم مهر: وقارالدوله. (رقم مهر) (۱۱)

شیخ یوسف که فرمانفرما در نطق خود به او اشاره دارد، در این باره چنین نوشت.  
هو الله، اداره خیریه مملکت فارس.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

این صورت جمع و خرج مصارف دارالعجزه موسسه حضرت اقدس والا فرمانفرماست که در سال اول حکمفرمایی حضرت معظم و در تحت ریاست جناب جلالت مآب اجل آقای میرزا عباس خان وقارالدوله دام مجده اداره شده و شهدالله و کفی بالله شهیداً، هر گاه والا حضرت اقدس اقدام به چنین امر مقدس نفرموده بودند، اکثر نفوس محترمه‌ای که عده آن‌ها در فصل زمستان مخصوصاً بالغ بر هزار نفر از عجزه و رجال و اطفال ایتام و فقرا بودند، تلف و هلاک شده بودند. و این احقر، خدام مسلمین، مکرر به جهت مشاهده و ملاحظه حالات عجزه از خیریه فارس و توجه مخصوص در باب کیفیت مواظبت و حسن مراقبت اعضاء و اجزاء اداره، به محل موسسه رفته و از این جهت تصدیق می‌نمایم که آقای وقارالدوله الحق نهایت توجه و سرپرستی از این موسسه

خیریه نمودند، جزاء الله خیر الجزاء، و می توانم تصدیق کنم که مصارف و مخارج بر طبق همین صورت است که تفصیل داده شده و از حضرت احدیت، جل و علا، مسئلت می نمایم که اولیاء امور و فرمان فرمایان جمهور این مملکت را مؤید و موفق به این گونه مصالح فرماید.

حرر هذه السطر، البعد الحقیق الفقیر، خادم المسلمین، یوسف شیرازی فی بلده شیرازی فی العشر الثالث من ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۳۵. (رقم مهر: یوسف ابن ابوالحسن) «(۱۲)»

برنامه های فرمانفرما به تدریج شکل منسجم تری گرفتند. در ۲۱ محرم ۱۳۳۶ ق/ اکتبر ۱۹۱۷ م، نایب الایاله از عموم آقایان محترم، از طبقات علما، اصناف، تجار، اعیان، مالکان، و زارعین به نام، و ۴ نفر از هر صنف، دعوت کرد و طبق گزارشی که تهیه شد، بالغ بر ۴۰۰ نفر که نام ۲۵۶ نفرشان ذکر شده، گرد آمدند. (۱۳) برای برپایی جلسه، در حیاط ارک چادر زده بودند. جلسه با نطق تند و جالب توجه آقا شیخ مرتضی مجتهد محلاتی آغاز شد که از شدت قحطی حرف زد و خطاب به فرمانفرما گفت:

«ما با شما مطمئن و همراهیم ... ای فرمانفرما! اگر همت کنی، خدا تو را بلند می کند، اگر کوتاهی کنی از خدا بترس! ای فرمانفرما! دارا هستی نمی دانم، نداری نمی دانم، مردمان را نجات ده!»

فرمانفرما هم در نطق طولانی و گیرایش، اول از طرف همه از علما تشکر کرد. سپس از خودش گفت و در واقع این دفاعیه ای بود در رد اتهاماتی که به او می زدند:

«من ایرانی هستم. مولدم تهران و تربیت شده پایتخت و عمر جوانی من به خدمت دولتی در آذربایجان گذشته، که محل غیرت ایرانیان است و در غالب بلاد ایران نیز مشغول خدمات دولت بوده ام. مسلمان، خداپرست، دارای مذهب شیعه جعفری، نام من عبدالحسین فرمانفرمای ایرانی هستم و هر کس این افتخارات را بخواهد حاسدانه و مغرضانه انکار نماید، در دفاع اسلامیت و ایرانیت شخص خودم، بی اعانت اطرافم، شخصاً با تپانچه شخصی خود حاضرم دفاع کنم ... صنعت من حکومت کردن و خدماتی است که می بینید مشغولم و شغل تحصیلی من نظام است و عملاً هم در این مجلس دعوی اجتهاد در نظام ایران می نمایم و متأسفم که الی حال چنان چه می خواسته ام از علم و تجربیات خود در نظام، هنوز در این مملکت موفق به اجرای خدماتی که در این شعبه از

من بر می‌آید، نشده‌ام.» موقع ناهار، برای حضار از همان نان تابه و پنیر آوردند. فرمانفرما گفت قحطی و گرانی در همه جای ایران و حتی در سایر کشورها نیز رخ داده. به علاوه در فارس و شهر شیراز، ملخ‌خوارگی و (اختلاف و نفاقات) و شورش‌ها و جنگ و غارت همه زراعت را از بین برده و اگر چند نفر تحریک شده حرفی بزنند، نباید باخبران از بی‌خبران تأسی کنند.»

در این یک ساله، نسبتاً وضع بد نبوده و اظهار امیدواری کرد که به خواست خدا بتواند خدمت کند و با همراهی حاضرین، امر نان شهر را نظم و نسق بدهد. سپس ادامه داد: «غرض از زحمت‌افزایی این دعوت عمومی، آن است که با شما آقایان معظم و عموم وجوه اعیان و تجار و برادران کسبه و اصناف خود بگویم که ای عزیزان من، ای آقایان، ای هم‌وطنان، ای نوع‌پرستان، ای ملت‌خواهان، این مملکت از ما و شما است. این فقرا و ضعفا برادران و خواهران و فرزندان ما هستند ... باید فکری به درمان و علاج درد کرد ... اطبای این دردها شما عقلا و ملاک و صاحب ثروت‌ها و تجار محترم هستید که در این مجلس می‌باشید. آنچه رای بدهید، اجرا می‌کنم. من یک تن، در مقابل این نفوس مملکت، نمی‌توانم از خود رای داشته باشم ... تابع اکثریت عقلای شما هستم ... همه باید دست به دست بدهیم و کار بکنیم.»

پس از آن فرمانفرما به اقدامات قبلی در تهیه نان تابه و تشکیل دارالعجزه اشاره کرد و از حضار خواست یک هیات نظارت انتخاب کنند و به خصوص کسانی را برگزینند که از مستخدمین دولت نباشند، تا شک و شبهه ایجاد نشود.

اولین پیشنهاد او این بود که ۴۰۰۰۰ تومان، از قرار هر نفری هزار تومان، به ۴۰ نفر بدهند که هر کدامشان یک دکان خبازی نان تابه دایر کند و تا ۶ ماه، روزانه با ۸۰ من آرد جو و ذرت نان تهیه کند و به قیمت معین بفروشد، تا زمانی که محصول عمل بیاید. ۵۰ نفر داوطلب شدند و ده نفرشان هزار تومان را نگرفتند.

بعد از آن که چند نفر از آقایان نطق کردند، فرمانفرما درباره دارالعجزه صحبت‌هایی کرد و قرار شد با رأی مخفی، ۱۴ نفر از طبقات مختلف انتخاب شوند تا در عمل نان تابه، ارزاق و دارالعجزه با فرمانفرما همکاری کنند. در قسمت دوم رساله، گزارش‌هایی از علما، در تأیید آن اقدامات، همچنین عریضه‌ای از طرف رؤسا و ریش سفیدان اصناف، اعیان و تجار چاپ شد.

پس از آن جلسه، در هفت دروازه‌ی شیراز، محل‌هایی برای سکنای فقرا تأسیس کردند.

این هفت موسسه خیریه از این قرار بودند:

**نمره ۱:** دارالعجزه کبیر در محل کاروانسرای بزرگ دولتی، از ابنیه مرحوم کریم‌خان در دروازه اصفهان جنب امامزاده شاه میرعلی حمزه، به مدیریت آقای میرزا عباس خان وقارالدوله. این دارالعجزه از تاریخ هجدهم محرم لوی‌ئیل ۱۳۳۵ق همیشه دایر و در زمستان گذشته، عده آن‌ها تقریباً بالغ بر هزار و پانصد نفر و در بهار و تابستان هذلسنه نیز جماعتی از عجزه در آن‌جا بودند و از طرف ایالت جلیله کاملاً از آن‌ها تکفل می‌شد و در اول پاییز امسال هم عجالتاً عده به چهارصد نفر بالغ است، حتی مریشخانه مختصری هم با لوازمات تختخواب و دوا و غیره دایر است.

**نمره ۲:** دارالمحتاجین در محل موسوم به شاه داعی‌الله، مدفن سید نظام‌الدین محمود، از ابنیه مرحوم کریم‌خان، که به کلی منهدم بود، ایالت جلیله برای تأسیس دارالمحتاجین آن‌جا را تعمیر و چند اتاق جدید هم بنا کردند و به مدیریت آقای سلطان علی خان منتصرالممالک، تخمیناً سیصد نفر از محتاجین در آن‌جا تکفل می‌شوند و در لباس این عده همشیره‌های محترمه جناب قوام‌الملک کمک کردند که صورت کمک آن‌ها در جزو سایر اعانه‌های دیگر انتشار خواهد یافت.

**نمره ۳:** دارالایتام خیریه در حسینیه مرحوم ایلخانی که دو دانگ آن راجع به جناب میرزاابراهیم خان قوام‌الملک حالیه است و سهم خودشان را از آن محل به اداره معارف واگذار کرده‌اند و در آن‌جا به مدیریت آقای میرزا همایون خان مفتش مالیه تأسیس یک دارالایتام شده است که به طور مکتب و دارالصنایع اساس آن انشاءالله دایمی خواهد بود و حالیه صد و پنجاه نفر بچه از ایتام در آن‌جا تکفل می‌شوند و جماعتی هم در این دارالایتام خیریه اشتراک کرده‌اند که صورت آن بعد انتشار خواهد یافت.

**نمره ۴:** دارالفقرا در کاروانسرای معروف به کاروانسرای امامی پشت شاه محمد دروازه‌ی کازرون، به موجب حکم ایالت تعمیر شد، به توسط میرزا علی خان در تحت نظارت میرزا همایون خان دایر است.

**نمره ۵:** دارالضعفا در محله دروازه کازرون در کاروانسرای استیجاری از حاج علی

اصغر، به مدیریت آقا شیخ محمدرضای ابوالاحرار در تحت نظارت آقای مؤدب السلطان، معاون مالیه، سیصد نفر از ضعفا تکفل می‌شوند.

نمره ۶: دارالمساکین دروازه قصاب‌خانه در کاروانسرای معروف به ملی که اجاره شده است، به مدیریت آقای مؤیدالسلطان سیصد و چهار نفر از مساکین تکفل می‌شوند که شرح آن در اوراق بعد انتشار می‌یابد.

نمره ۷: دارالمستحقین در وسط شهر در کاروانسرای عبدالحسین به مدیریت حاج سید محمد صادق سراج و جماعتی از اصناف اداره می‌شود و چون عده به اندازه محل هنوز تکمیل نشده است، شرح آن در اوراق بعد انتشار خواهد یافت. (۱۴)

احتمالاً کمیسیونی که فرمانفرما در نطق خود اشاره کرد، هیأتی است به نام هیأت جوانمردان وطن که اسناد آن به دست ما رسیده است. وظایف این هیأت یا کمیسیون دوگانه بود. از طرفی باید به محاسبات دارالعجزه‌ها رسیدگی می‌کرد و از طرف دیگر مسئولیت نظارت بر امور مربوط به اداره دارالعجزه‌ها را داشت.

### کمیسیون محاسبات

۱. کمیسیون محاسبات باید هفت دارالعجزه و یک مریضخانه را به دو قسمت منقسم کنند. کمیسیونی چهارتا را رسیدگی نمایند.
۲. هر کمیسیونی باید بقدر لزوم به محاسبات دارالعجزه‌های سهمی خود رسیدگی نموده، دفترهای متصدیان را ببینند و مخارج گذشته را بپرسند و مبلغ نرخ ارزاق را با تخفیفات خودشان که در بازار و غیره کرده‌اند، تطبیق نمایند.
۳. کمیسیون باید حساب‌های متصدیان را در هر نقطه بعد از رسیدگی کتابچه اولی و دیدن کتابچه پاکی سیم تصدیق بنویسند.
۴. صورت جمع را از زال خانلر روی لیست قبوض بگیرند و خرج این مدت را رسیدگی نمایند. جمع و تفریق حساب‌های گذشته را با یک تاریخ معین بنمایند و در کتابچه سیم بنویسند و امضا کنند.
۵. مخارج بنایی را مباشر و متصدیان که در شاه داعی‌اله یا جاهای دیگر شده است اول باید از روی روزنامه‌ها برسند بعد دو نفر معمار خیر با خودشان آورده گذشته‌ها را بدون سختی همینقدر مطمئن باشند که چندان تفریط نشده است تمام و سند بدهند،

- ولی در آتیه خیلی سختی بنمایند که خرج بی‌قاعده و گزاف نشود.
۶. باید کمیسیون کارهای گذشته را خیلی زود تصفیه و برای آتیه ترتیبی بدهد که هر ماه هر محل تخمیناً نقداً چقدر خرج دارد که از روی همان تخمین از آن‌ها قبض گرفته نقداً داده شود.
۷. اجزا این کمیسیون اگر افراط و تفریطی ببینند باید بدون ملاحظه اول به متصدی اخبار و اعلان داده و جداً رفع کند. مخارج گزاف را اگر با اصرار امضا کمیسیون اصلاح نشد، باید به هیئت رئیسه خودشان اطلاع بدهند، آن‌ها را در هیئت رئیسه احضار و در آن‌جا اخطار نمایند. اگر آن‌جا هم مرتب و اصلاح نشد، باید در هیئت رئیسه به هیئت منتخبین چهارده نفری اخطار شود که آن‌ها اقدامات نمایند.
۸. اگر خودشان هم علاوه بر مواد فوق که نوشته شده ماده به نظرشان برای اصلاح و رفع نواقص و معایب کارها برسد به هیئت رئیسه خودشان پیشنهاد کنند.
- وظایف کمیسیون‌های تفتیش از این قرار بود:

### دستور العمل کمیسیون‌های معینه هیئت جوانمردان وطن

۱. کمیسیون تفتیش باید مطابق مواد ذیل حدود خود را محفوظ و اقدام نماید.
۲. تکلیف کمیسیون تفتیش این است که در باب نان دارالعجزه‌ها اقسام تفتیش را بنماید که نان صحیح باشد، تلخ نباشد. جو پاک بشود، بارورز و آسیابان تقلب نمایند و نان آنان را درست بپزد؛ به اندازه‌ای که معین شده است، نه بزرگ و نه کوچک. عجزه نان را برساند. نان نباید از دارالعجزه به خارج به واسطه خود فقرا یا مستخدمین بفروش برسد در هر حال آنچه راجع به نان است بودجه تفتیش و به مدیر خوب تفتیش را همه روزه اعلان و راپورت به هیئت رئیسه داده شود؛ اگر عیبی باشد، هیئت رئیسه از همان کمیسیون دو نفر را تعیین کنند تا به اطلاع مدیر از نایب الایاله اصلاح را بخواهند.
۳. کمیسیون تفتیش باید لباس‌هایی که برای عجزه دوخته‌اند، بدقت رسیدگی کنند که تمیز باشد. مفاسد و معایبی اگر داشته باشد، به مدیر اطلاع بدهند و اصلاحش را بخواهند و به هیئت رئیسه راپورت بدهند. در صورت لزوم و عدم قوه در اصلاح به هیئت منتخبین چهارده نفری از هیئت رئیسه راپورت دهند.
۴. در خصوص تمیزی دارالعجزه‌ها همه روزه باید با یک جدیت فوق‌العاده تفتیش

بشود. کلیه اطاق‌ها را همه روزه مدیر به توسط خود عجزه و مامورین و مستخدمین آن‌جا جاروب کامل کنند. جاهای محل تعفن را باید همه روزه آب و آهک بریزند. در نظافت و حفظ دارالعجزه باید کمیسیون کمال دقت و مواظبت را بنمایند و مدیران را مجبور به اجرای دستورالعمل خودشان بنمایند و اگر مستخدمین کوتاهی در نظافت بنمایند، کمیسیون تفتیش حق دارد از مدیر تنبیه و تبدیل مستخدمین را بخواهند و راپورت به هیئت رئیسه بدهند.

۵. باید عده هر دارالعجزه را کمیسیون تفتیش همه روزه عدد آن‌ها را بشمار آورده، در کتابچه مدیر آن‌جا بنویسند و امضاکننده هم دو نفر باشد کافی است و راپورت عده را به هیئت رئیسه بدهند و همه روزه در ثبت هیئت رئیسه باید راپورت عده باشد.

۶. باید مرضای عجزه و ایتام را ملاحظه کرده، بعد از تاسیس مریضخانه آنچه را که باید به مریضخانه ببرند آنچه را باید همانجا دکترها ببینند توجه بنمایند.

۷. هفته‌ای دو روز آش که به عجزه داده می‌شود، باید دقت در خوبی و لوازم آن بنمایند.

۸. هر کس را از خارج کمیسیون بتواند تشویق کند که عجزه را مهمان آش و پلو نمایند، خیلی خوب و بجا خواهد بود، یا هر کس خودش بخواد بدهد یا به مدیر و مفتش اطلاع بدهد که به اطلاع آن‌ها تهیه شود که زیادتر از آنچه لازم است از آن چیز گرفته بشود کمتر هم نشود.

۹. مستخدمین دارالعجزه‌ها را در هفته، یک مرتبه سان ببینند که تبدیل بی‌جهت نشده باشد و مدیران بی‌دلیل مستخدم صحیح را بیرون بنمایند.

۱۰. موادی اگر اضافه از این مواد به نظر خود مفتشین یا هیئت رئیسه جوانمردان برسد پیشنهاد به هیئت رئیسه هم به هیئت منتخبین رجوع نمایند، تصدیق و تکذیب راجع به هیئت منتخبین خواهد بود.

۱۱. این ده ماده را به موقع اجرا بگذارند بعداً اگر چیزی بنظر هیئت منتخبین آمد در ثانی اطلاع می‌دهند.

البته اعضای این هیأت مشخص نیست، ولی بدون شک داوطلبانه کار می‌کردند. این هیأت دست به کار بازرسی وضع موسسات خیریه شد. اولین گزارش از جزئیات شرایط دارالعجزه کبیر روی برگه‌های معمولی یادداشت می‌شد، ولی بعداً فرم‌های



مشخص با آرم «هیأت جوانمردان وطن» چاپ شد که ۵۷ برگ آن ۲۶ راپرت از ربیع‌الثانی و ۳۱ راپرت از جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق به دست ما رسیده است.

راپرت‌ها گاه در دو روز متوالی تهیه می‌شد و گاه با فواصلی بیشتر. تعداد دفعاتی که هر مرکز بازرسی می‌شد نیز مساوی نیست. گاه نام بازرسی‌ها نوشته می‌شد و گاه امضای آن خوانا نبود. طبق این گزارشات، جمعیت مرد، زن و بچه این مراکز تقریباً هر بار که بازرسی شدند تغییر می‌کرد.

این راپرت‌ها با جزئیات مفصل و با دقت تهیه می‌شد و انواع اطلاعات در آن‌ها ثبت می‌شد، تعداد فقرا و مستخدمین و مریض‌ها، مقدار نان و آش (و کیفیت آن)، ذغال و نفت، وضع نظافت و احتیاج به لباس و غیره. و با این حال مقداری از غذا و پوشاکشان را می‌دزدیدند.

شرایط دارالعجزه بطور کل حاکی از فقر و فلاکت بسیار است. بخصوص چون اغلب با کمک مردم می‌چرخیدند، شرایط یکسان نبود. مریضخانه‌ای دایر شده بود، ولی از فرط شلوغی یا شدت سرایت بیماری‌های مانند وبا، گاه بیماران را راه نمی‌دادند.

تعداد اجزایی که در این دارالعجزه‌ها کار می‌کردند از جمله مدیر، ناظر، منشی، مستخدم و محافظ زیاد است و بی‌شک خود فقرا می‌توانستند بعضی کارها را خودشان انجام دهند. مدیرها نیز تغییر می‌کردند و گاه زیر بار دستورات مفتشین نمی‌رفتند یا سوءاستفاده‌هایی می‌کردند. نان را با نانواها کنترات می‌کردند که جو یا ذرت دریافت کنند و در ازای آن نان تحویل دهند. حمام را هم با حمامی کنترات می‌کردند.

نام بعضی مفتشین مشخص است. هر دفعه که یکی از دارالعجزه‌ها بازرسی می‌شد، تعداد فقرا، مرد، زن و طفل ثبت می‌شد. ولی این عده همیشه در حال تغییر بودند. تعداد کل عده‌ای که در این صورت‌ها ثبت شده ۱۱۶۳۳ نفر، ۲۷۹۸ (۲۰/۷٪) مرد، ۳۳۶۰ (۲۸/۸٪) زن و ۵۴۷۵ (۴۶/۵٪) طفل بودند. اطفال از یک سال الی ۹ سال محسوب می‌شدند.

در زمستان، ۱۵ ربیع‌الثانی دارالضعفا به مدیریت شیخ رضا تفتیش شد. تعداد حاضرین ۳۰۸ نفر، ۲۳ مرد، ۱۷۳ زن و ۱۰۸ طفل بودند. مقدار نان یک چهار یک زن و مرد و نصف آن مقدار به اطفال اختصاص داده شده بود. ولی اغلب شکایت داشتند سیر نمی‌شوند. وضع لباسشان خیلی بد بود و اغلب برهنه بودند. تاکنون ۹۵ دانه لباس به

آن‌ها داده بودند و ۱۶ دانه لحاف بیشتر نداشتند. به عده‌ای هم نمد داده بودند که تعدادی از دارالعجزه خارج شده بود. قرار بود یک روز در میان چغندر بدهند، ولی ظاهراً نداده بودند. شب‌ها ۲۰ من ذغال می‌دادند و هر اتاقی که حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر بیشتر ساکن باشند، شبی ۱۱ مثقال نفت. سوءاستفاده‌هایی هم می‌شد. چنانچه شیخ رضا شبی ۲۰ نان و مقداری از برنج و روغن اهدایی را می‌برد.

دو روز بعد که همین مکان بازرسی شد، تعداد به ۲۶۹ نفر کاهش یافته بود و اغلب مریض بودند و نان تلخ و بدرنگ بود و شیخ رضا گفته بود، ذرتی که داده بودند خراب بود. اغلب لباس لازم داشتند و اطفال برهنه بودند و احتیاج به حمام داشتند. کاروانسرای منزل آن‌ها هم خیلی کثیف بود.

شرایط بعضی از این مکان‌ها کمی بهتر بود؛ مانند دارالعجزه کبیر که در ۱۹ ربیع‌الثانی، ۳۳۴ نفر سرنشین داشت. نان در نهایت خوب بود و وضع نظافت نسبت به سایر دارالعجزه‌ها بهتر بود و تا حدی رعایت حفظ‌الصحه می‌شد. عده‌ای را حمام برده بودند و برایشان لباس تازه تقاضا کردند.

در دارالمحتاجین لباس‌ها خیلی کثیف بود و مفتش به مدیر تأکید کرد که صابون بخرد و لباس‌ها را پاکیزه نمایند. ۴۰ روز بود که کسی حمام نرفته بود. آش خیلی کم و نان سیاه بود. به واسطه بارندگی، کل منازل چکه کرده بود و اغلب فقرا خیس شده، مریض بودند و سفارش شد تا آن‌ها آن را به مریضخانه بفرستند.

وضع دارالایتام کمی متفاوت بود: از لحاظ کثافت و بدی نان مانند بقیه بود، ولی مفتش خبر داد که عده‌ای زن ترک و سرباز دو اتاق را اشغال کرده بودند و مال سواری را در دالان دارالایتام می‌بندند و چون متصل در تردد هستند، از جهت زن‌های عجزه که لباس ندارند، لازم است این کار متوقف شود. ولی ماه بعد که این محل تفتیش شد فرقی نکرده بود. در دارالایتام اطفال قالی‌بافی، پارچه‌بافی و جوراب‌بافی می‌کردند و عده‌ای از بچه‌ها نیز درس می‌خواندند.

دارالفقرا بسیار کثیف و عفونت بسیار داشت. اسید فینیک و آهک کم استعمال می‌شد و عده‌ای هم لباس نداشتند. کمی بعد وضع نان و نظافت کمی بهتر شده بود. چهار فقره آش پخته‌اند، چهار فقره آبگوشت و شلغم و چغندر هم داده بودند. ۱۰۷ پیراهن عربی، ۱۰۴ زیرجامه و تعدادی مددوش هم تقسیم شده، ولی هیچ یک حمام

نرفته بودند.

محاسبات دارالعجزه‌ها نیز، جداگانه تهیه می‌شد. ولی فقط تعداد کمی از آن‌ها باقی مانده است که در این جا ضمیمه شده‌اند، مانند صورت مخارج دارالضعفا که از اول صفر تا پایان ربیع‌الاول ۱۳۳۶، دخل نقد و جنس ۱۰۵۰۰ قران، خرج ۸۷۷۸ قران و موجودی ۱۷۲۱ قران بود.

چنانچه دیدیم، شرایط دارالعجزه‌ها بسیار نامطلوب بود و بدون شک از رجب ۱۳۳۶ که جنگ بین پلیس جنوب و قشقایی‌ها آغاز گردید، بدتر شد. (۱۵) در ۲۷ شعبان شهر توسط صولت‌الدوله به محاصره درآمد و که دو ماه به طول انجامید و شکی نیست که از همه جهت مردم در زحمت بودند. در گزارشات نظمیه شیراز اشاره‌ای به این شرایط شده و به ظاهر زندگانی روزمره روال عادی داشت و وقتی جلوی آب را گرفتند، آسیاب‌ها از کار افتاد و وضعیت کمبود نان به ویژه در دارالعجزه‌ها بدتر شد. (۱۶) طبق اسنادی که در دست داریم، عاقبت این دارالعجزه‌ها را نمی‌دانیم. احتمالاً تا پایان حکومت فرمانفرما در فارس در پایان سال ۱۳۳۹ کم و بیش ادامه داشتند و هر چند شرایط بد بود، ولی بدون شک عده‌ای را از مرگ و گرسنگی نجات داده‌اند، بطوری که روزنامه‌های تندروی گلستان و ایران که از مخالفین فرمانفرما بودند، در این مورد از اقدامات او تعریف نوشتند. (۱۷)

### یادداشت‌ها

۱. زیر پوست شهر، راپرت‌های نظمیه (پلیس مخفی) شیراز از اسناد خصوصی عبدالحسین میرزا فرمانفرما از دوره حکومت دوم در فارس ۱۳۳۹-۱۳۳۴ق حاوی انواع اطلاعات سیاسی و اجتماعی مانند فعالیت مخالفین، قحطی، گرسنگی، شیوع وبا و غیره است که نظمیه شیراز جمع‌آوری و گزارش می‌کرد. در پایان کتاب، گزارش غسلخانه شیراز که علل مرگ را نیز متذکر می‌شد، ضمیمه کتاب است. در این گزارش‌ها خبر مرگ از وبا و گرسنگی کم نبود.
- زیر پوست شهر راپرت‌های نظمیه (پلیس مخفی) شیراز، منتخبی از اسناد و مدارک عبدالحسین میرزا فرمانفرما، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سعاد پیرا، سعید روحی، تهران ۱۳۹۳.
۲. قحطی در همه نقاط از جمله شمال غربی ایران، در آذربایجان که عثمانی‌ها با روس‌ها می‌جنگیدند، وجود داشت و آسیب می‌رساند. در بین اسناد فرمانفرما که از مالکین بزرگ آذربایجان بود، گزارش‌های بسیار درباره قحطی در آن ایالت در دست داریم. علاوه بر این

گزارشات، در پایان جنگ ایران در صدد بود در جامعه ملل مسأله خسارت وارده توسط قوای روس و عثمانی را، محاسبه و دریافت کند. از این جهت از مباشرین خواست که صورتی از خسارتی که رسیده تهیه کنند و مسأله قحطی و خالی شدن دهات از سکنه، از جمله نکاتی است که در این گزارشات به کرات آمده‌اند.

مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، ۳ جلد، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان، تهران ۱۳۶۶. جلد ۲، صص ۳۰-۵۱۳ و صص ۷۳-۶۲۲. روزنامه فارس نیز مرتب درباره قحطی اصفهان خبر می‌داد. فارس، سال دوم، شماره ۱۲، سال ۱۳۳۶.

اخبار قحطی توسط فلوریدا سفیری نیز در کتاب پلیس جنوب ایران بحث شده است. سفیری، فلوریدا، پلیس جنوب ایران (اس‌پی‌آر)، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی)، منصوره جعفری فشارکی (رفیعی)، تهران ۱۳۶۴. صص ۱۳۲، ۱۵۱، ۲۱۰.

محمدقلی مجد نیز در کتاب قحطی بزرگ به تفصیل در این باره نوشته است و آن را به نسل کشی توسط انگلیسی‌ها تشبیه کرده است که به نظر اغراق‌آمیز می‌آید. همانطور که اشاره شد، قحطی در همه نقاط بخصوص شمال غربی ایران در آذربایجان هم که عثمانی و روس‌ها می‌جنگیدند وجود داشت.

مجد، محمدقلی، قحطی بزرگ ۱۲۹۷-۱۲۹۴/۱۲۹۹-۱۹۱۷، ترجمه محمد کریمی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران ۱۳۸۷، صفحات گوناگون.

۳. ستاره ایران، سال ۳، شماره ۴۸، ۷ ذی‌حجه ۱۳۳۵.

۴. در اثر خشکسالی، سوخت برای تنور کم بود. نان‌تابه از ذرت یا جو روی ساج پخته می‌شد. فرمانفرما به کشت ذرت که سالی دو بار محصول می‌داد و به آب کمی احتیاج داشت اهمیت می‌داد.

زمانه و کارنامه ساسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، ۲ جلدی، منصوره اتحادیه (نظام مافی) با همکاری غلامرضا سلامی، اسماعیل شمس، ۱۳۸۳، جلد ۲، صص ۹-۵۳۸.

رساله‌ای هم به خط استاد عبدالعلی اشرف‌الکتاب یزدی متخلص به «اشرف»، دستورالعمل کشت ذرت و موقع زراعت آن به قسم دست‌افشان منتشر کرد.

۵. برای مبارزه با قحطی در شهرهای مختلف، کمیسیون‌هایی برای جمع‌آوری اعانه از ملاکین تشکیل شد. در تهران برنامه این بود که فقرا را بین اعیان تقسیم کنند که از آن‌ها نگهداری کنند. عقیده فرمانفرما این بود که این مسأله درست نیست. باید این افراد را در یک جا جمع کرد و برای نگهداری آن‌ها از اعیان اعانه و کمک گرفت.

۵. اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، جلد ۲، ص ۵۳۱.
۶. وزارت امور خارجه، کارتن ۲۸، پوشه ۳۰.
۷. رعد، سال ۱۱، شماره ۲۴۰، ۱۱ جمادی‌الولی ۱۳۳۸.
۸. ایران، سال ۴، شماره ۶۲۱، جمادی‌الاول ۱۳۳۸.
۹. همان، سال ۳، شماره ۴۱۱، غره رجب ۱۳۳۷.
۱۰. اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، جلد ۱، صص ۸-۳۴۱.
۱۱. همان، صص ۸-۳۴۳.
۱۲. همان، ص ۳۴۸.
۱۳. فارس، سال ۲، شماره ۴، ۲۶ محرم ۱۳۳۶.
۱۴. در این باب، روزنامه استخر، گزارشی خواندنی چاپ کرد: «سال گذشته، به واسطه گرانی فوق‌العاده و کثرت فقرا و ایتام، بندگان حضرت اقدس والا فرمانفرما، والی مملکت فارس، دامت شوکت‌العالی، محض ترضیه حال فقرا و تخفیف آلام ایتام، امر به تأسیس و تشکیل چند باب دارالعبزه و دارالایتام کردند و اسباب رفاه عمومی فراهم آمد و کم کم فقرا و ایتام، که اکثر آنها اهل دهات بودند، برای تحصیل معاش، به دارالایتام آمدند.
- دارالایتام نمره ۳، واقعه در حسینیه ایلخانی که عده ایتام آن‌جا بالغ بر صد و بیست نفر بودند و به علاوه بر تحمل مصارف لباس و خوراک، اغلب مشغول به صنایع یدی، از قبیل نجاری و قالی‌بافی بودند و در ایام بروز ناخوشی آنفولانزا، بعضی متوفی و پاره‌ای دیگر فراری شدند و عده قلیلی باقی ماندند و مجدداً بندگان حضرت اقدس والا، به حفظ و نگاهداری این عده [امر] فرمودند.
- «لذا ریی معارف، آقای رحمت، بر حسابم مطاع، برای سرکشی و رسیدگی به دارالایتام نمره ۳، که در تحت نظارت جناب اعتماد دیوان است، تشریف برده و لباسی که برای ایتام تهیه شده [بود]، تقسیم و توزیع فرمودند. و به علاوه، حسب‌الامر اقدس والا، یک نفر معلم ابتدایی معین فرمود که همه روزه ایتام را درس فارسی و قرآن و خط بیاموزد. همه ایتام، بعد از پوشیدن لباس، با یک سرود مخصوص، به دعای حضرت اقدس، رطب‌اللسان می‌شوند.
- عده شاگردان ذکور، ۱۴ نفر.
- عده شاگردان اناث، ۱۲ نفر.
- و حضرت اقدس مقرر فرمودند که چند نفر دیگر، بر این عده اضافه شوند.
- عده کارگزاران این دارالایتام، یک معلم، یک ناظم و ناظر و یک خادم و دو نفر خادمه است. از آن‌جا که ادا و شکر عامل خیر و فاعل معروف، موجب مزید نعمت و باعث تشویق و ترغیب

محسنین و منعمین است و هر گاه خدای نخواستہ در یک قوم، در قبال احسان محسنین، حس شریف قدردانی نباشد، معروف و منکر در چنین قومی یکسان خواهد بود، لازم می‌دانم که به وسیله این جریده، از طرف خود و عموم ایتم، به حضور حضرت اقدس والا تشکر کرده و قدردانی و حق‌شناسی نمایم. [...]

نیات حسنه و اقدامات خیریه حضرت ایالت عظمی، در رفاه و آسایش عمومی، در این مدت فرمانفرمایی، جای شبهه نیست. اگر اوایل عده‌ای نمی‌فهمیدند، حالا واقف‌اند.

امضا: یک نفر بی‌غرض...». استخر، سال اول، شماره ۵۶، ۶ رجب ۱۳۳۷.

۱۵. سفیری، پلیس جنوب ایران، ص ۲۳۲.

۱۶. همان، سفیری، ص ۲۳۴؛ ایران، سال ۲، شماره ۲۵۱، ۶ رمضان ۱۳۳۶.

ایران، سال ۴، شماره ۶۸۰، ۱۶ رمضان ۱۳۳۸؛ گلستان، سال ۲، شماره ۹، ۱۲ رجب ۱۳۳۸.